اخبار حادثه

پرداخت یک میلیون تومان بیمه به حادثه‌دیدگان

ایسنا: رئیس آموزش و پرورش کهکیلویه و بویراحمد از توجه نداشتن لازم سرپرست اردوی شادگان خبر داد. ۸۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان شبانه‌روزی حضرت زینب (س) به همراه یک سرپرست که در مرخصی مدیر مدرسه، جانشین او بوده است، یک مربی و حدود ۴ دبیر پس از تصمیم شورای مدرسه برای بازدید از آبشار شادگان در ۳۰ کیلومتری چرام، با موافقت آموزش و پرورش شهر چرام، راهی اردوی آموزشگاهی درون‌شهری شدند اما تنها با ۷۵ نفر در حالی به مدرسه خود بازگشتند که دفترچه خاطرات آنها سوگ مرگ همکلاسی‌هایشان در حادثه‌ای تلخ را ثبت کرده بود. درحالی که مدیر مدرسه شبانه‌روزی «حضرت زینب (س)» چرام در مرخصی به سر می‌برد، رحمانی، معاون مدرسه به عنوان سرپرست اردو- که باید با تائید مدیر مدرسه به اردو اعزام شود- با تائید رئیس اداره آموزش و پرورش شهر چرام، عازم اردو می‌شود. علی محمد دانشی رئیس آموزش و پرورش استان کهکیلویه و بویراحمد در این مورد گفت: برنامه اردو در نبود مدیر، از سوی معاون وی که در اصل، سرپرست اردو نیز بود، تدوین شده و سایر عوامل اجرایی تحت مدیریت رحمانی بوده است. در این اردو علاوه بر سرپرست، یک مربی و ۴ دبیر نیز به همراه دانش‌آموزان بودند. رئیس آموزش و پرورش کهکیلویه و بویراحمد با بیان این که نتایج کارشناسی از حادثه به‌زودی اعلام می‌شود، خاطرنشان می‌کند: تصمیمات خاصی درخصوص این حادثه اخذ می‌شود. او درباره بررسی‌های اولیه و ضمنی درخصوص حادثه گفت: به طور ضمنی آنچه مشخص شده، سرپرست اردو، در این حادثه توجه لازم را نداشته است. براساس اختیاراتی که بر عهده دارم در مورد سرپرست اردو حکم ۳ ماه آماده به خدمت را صادر و ابلاغ او را از آموزشگاه لغو کرده‌ام. او همچنین این نکته را مورد اشاره قرار داد که با توجه به ضوابط و مقررات موجود، دانش‌آموزان بیمه حوادث بوده‌اند. او با اعلام این که شب گذشته یک میلیون تومان بیمه حادثه به خانواده‌های داغدیدگان پرداخت شده است، از بیمه مسئولیت مدنی سرپرست اردو اظهار بی‌اطلاعی کرد.

پلیس در جست‌وجوی یک باند آدم‌ربایی پاکستانی

شرق: دو تبعه بنگلادش در تهران از سوی اعضای یک باند قاچاق اسلحه مرکب از اتباع پاکستان به گروگان گرفته شدند. اعضای این باند که از اتباع کشور پاکستان هستند اعلام کرده‌اند برای آزادی گروگان‌های خود پول می‌خواهند. صبح دیروز مردی به شعبه پنجم بازپرسی دادسرایی جنایی تهران مراجعه کرد و به بازپرس توکلی گفت: سه سال قبل دو پسرعمویم به نام‌های احمد و شاهین به صورت غیرقانونی وارد ایران شدند. یک پاکستانی به نام میزان از آنها ۳ میلیون تومان گرفت و آنها را به تهران آورد. ۳۰ روز پیش طبق نقشه قبلی میزان شاهین و احمد را به محل خلوتی کشاند که در آنجا دو برادر از سوی اعضای یک باند قاچاق مواد مخدر، آدم‌ربایی و اسلحه ربوده شدند. آنها در برابر آزادی احمد و شاهین تقاضای ۱۰ میلیون تومان کرده بودند. پول را به آنها دادم ولی آنها پسرعموهایم را آزاد نکردند. این مرد ادامه داد: اعضای این باند محمد، قاسم شوکت و علی نام دارند که در منطقه خاورشهر فعالیت می‌کنند. با مطرح شدن این شکایت تحقیقات ماموران دایره ۱۱ پلیس آگاهی در این رابطه آغاز شد.

قاتل زن ۷۶ساله در یک قدمی چوبه‌دار

فارس: پرونده مرد جوانی که در پی سرقت در خانه زن سالمندی با ضربه‌های کلنگ به سرش، او را به قتل رسانده بود با تائید حکم قصاص از سوی قضات شعبه ۷ تشخیص دیوان عالی کشور برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. متهم به ضرب و جرح، سرقت و قتل زن ۷۶ساله، ۲۳ سال سن دارد. وی هفتم اسفندماه سال ۸۲ در ملارد کرج، فروغ و پسرش را مجروح کرد و سپس به وسیله کلنگ ضربه‌ای به سر فروغ (مقتول) وارد کرد که باعث شکستگی جمجمه مقتول و مرگ او شد. از آنجا که «ابوالقاسم» (متهم به قتل) پس از ضرب و جرح پسر مقتول که «فرید» نام دارد و پس از قتل فروغ با خودرو سمند آنها، از محل حادثه فرار کرده بود ماموران موفق شدند از طریق پلاک خودرو سرقتی، متهم به قتل را پس از گذشت چند روز از زمان قتل دستگیر کنند. «ابوالقاسم» یک هفته پیش از زمان قتل به خانه فروغ رفته بود و همراه همسرش به عنوان سرایدار در خانه فروغ شروع به کار کرده بودند. اما پس از گذشت یک هفته متهم ۲۳ساله با طرح نقشه‌ای قصد سرقت از خانه را داشت که با قتل صاحبخانه همراه شد. دختر مقتول گفت: «شکایت من از ابوالقاسم کارگر خانه مادرم است اما در این ماجرا برادرم «فرید» نیز نقش داشته است.» با تقاضای قصاص از سوی دختر مقتول، متهم به قتل در مورد سه اتهام ضرب و جرح مقتول و پسرش، سرقت اتومبیل، پول و جواهرات و قتل فروغ گفت: من دو اتهام ضرب و جرح فرید و مادرش و سرقت را قبول دارم اما فروغ را نکشتم. «ابوالقاسم» با تشریح حادثه گفت: من مدت‌ها بیکار بودم تا اینکه متوجه شدم زن سالمندی در ملارد کرج زندگی می‌کند که دارای باغ و املاک زیادی است و نیاز به کسی دارد که کارهای خانه و باغبانی او را انجام دهد. چند روز از کار ما در خانه آنها گذشت که فرید گفت: فقط مبلغ ۷۰ هزار تومان به هر دو ما خواهد داد اما با این حال ما قبول کردیم که آنجا کار کنیم زیرا جای دیگری برای ماندن نداشتیم. یک روز پیش از حادثه فرید از من خواست همان شب با همسرم وسایلم را جمع کنم و از آنجا بروم و هرچه از او خواستم تا فردا هم بگذارد آنجا زندگی کنم او قبول نکرد. چند ساعت پس از این ماجرا او را به بهانه روشن کردن آبگرمکن به داخل اتاق کشیدم و با کلنگ چند ضربه به سر و صورت فرید زدم. فرید بیهوش روی زمین افتاده بود که به اتاق فروغ رفتم و با لگد به سر و صورت او زدم که بیهوش روی زمین افتاد اما وقتی در حال خارج شدن از خانه بودم مطمئن هستم که زنده بود. متهم به قتل در جلسه محاکمه منکر کوبیدن جسمی به سر مقتول شد. قاضی نورالله عزیزمحمدی و چهار قاضی مستشار پس از شور، ابوالقاسم را به اتهام قتل فروغ به قصاص نفس، در رابطه با ضرب و جرح پسر مقتول به ۵ سال حبس و به خاطر سرقت به سه سال حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند. با اعتراض متهم به حکم مجازاتش، پرونده به شعبه ۴۰ دیوان‌عالی کشور رفت و از سوی قضات این شعبه نیز حکم تائید شد. متهم به قتل برای بار دوم به حکم اعتراض کرد که این بار پرونده به شعبه ۷ تشخیص دیوان‌عالی کشور رفت و از سوی قضات این شعبه تائید و برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران رفت.

حوادث

معاونت وظیفه عمومی ناجا خبر داد:

معافیت سرپرستان معلولان از امروز

گروه اجتماعی، بهنام پاکزاد: دستورالعمل اجرایی معافیت معلولان از سربازی صبح دیروز به سازمان بهزیستی ابلاغ شد. بنابراین از صبح امروز افراد واجد شرایط می‌توانند با ارائه مدارک مورد نیاز به مراکز بهزیستی سراسر کشور مراجعه و نسبت به معافیت خود اقدام کنند. سردار بهمن کارگر معاون وظیفه عمومی نیروی انتظامی روز گذشته در گفت‌وگو با شرق با اعلام این خبر گفت: این ماده قانونی با تصویب در مجلس شورای اسلامی مورد تائید مقام معظم رهبری واقع شد، سپس به معاونت وظیفه عمومی ناجا ابلاغ شد و از روز سه‌شنبه (امروز) در سراسر کشور اجرا می‌شود. وی که در حاشیه حضور در مرکز نظارت همگانی باجا «۱۹۷» سخن می‌گفت، افزود: طبق این ماده مشمولان واجد شرایط به مراکز بهزیستی مراجعه و در صورتی که ماده مذکور شامل حالشان شد نامه‌ای از بهزیستی گرفته و به معاونت وظیفه عمومی رجوع کنند. به گفته کارگر طبق ماده شش قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، معلول به کسی اطلاق می‌شود که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توام، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد شود، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه اجتماعی و اقتصادی شود و در یکی از گروه‌های شش‌گانه معلولیت جسمی و حرکتی، معلولیت ذهنی، معلولیت بینایی، معلولیت شنوایی، معلولیت گفتاری و معلولیت بیماران روانی مزمن قرار داشته باشد. وی افزود: درصد معلولیت در هر گروه براساس درجه‌بندی رتبه‌ای بوده و در چهار سطح خفیف، متوسط، شدید و خیلی شدید تعیین شده است. معاون نظام وظیفه ناجا در ادامه گفت: براساس این ماده یکی از فرزندان اولیایی که خود معلول بوده (هر دو یا یکی از آنها معلول باشد) و یا حداقل دو نفر از فرزندان آنها معلول باشد و همچنین مشمولانی که همسر معلول خود را سرپرستی می‌کنند تا هنگامی که سرپرستی همسر معلول را برعهده داشته باشند از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌شوند. سردار کارگر درخصوص بخش دیگری از معافیت‌ها گفت: مادری که همسرش فوت شده در صورتی که تنها یک فرزند ذکور داشته باشد، این فرزند از معافیت سربازی برخوردار می‌شود. همچنین این معافیت شامل حال آن دسته از مشمولانی است که پدرشان به سن ۵۹سال تمام رسیده و فرد مشمول تنها فرزند ذکور خانواده باشد. وی در ادامه با بیان اینکه در چند سال اخیر در معاونت وظیفه عمومی ناجا تحولات عظیمی رخ داده است، گفت: ملاقات‌های مردمی در مرکز ۱۹۷ برای ما سودمند است و از طریق آنها کارآمدی سیستم را می‌سنجیم و نقص‌ها را شناسایی کرده و در جهت رفع آنها اقدام می‌کنیم. سردار کارگر درخصوص معافیت‌های سال ۸۴ گفت: در سال ۸۴، ۷۰ درصد معافیت‌ها خدمت ضروری سربازی پزشکی و ۳۰ درصد بقیه کفالت بوده است. وی همچنین از افزایش ۱۴ درصدی حقوق سربازان و آغاز اجرای طرح بیمه ۴۰۰ هزار سرباز ورودی امسال به همراه افراد تحت تکفلشان خبر داد.

مجازات برای کلاهبرداران

گروه اجتماعی: در روزهای اخیر حکم دو پرونده کلاهبرداری و سرقت با مبالغ میلیاردی از سوی قاضی الهی‌زاده قاضی شعبه ۱۱۵۶ دادگاه عمومی جزایی صادر شد.

■ مجازات کلاهبردار فراری

دیروز حکم هشت متهم به نام‌های مجید، محمد، دانشیار، محمود، مجید، فریبرز، جواد و معصومه به اتهام کلاهبرداری و سرقت صادر شد. این هشت نفر متهم هستند که از ۳۷ نفر سرقت و کلاهبرداری کردند و اتهام جعل سند، جعل عنوان‌های دولتی و غیردولتی، کلاهبرداری و سرقت مقرون به آزار به علاوه فرار از بازداشتگاه و زندان و نگهداری مشروبات الکلی در لیست بلند این متهمان جای دارد. مجید حدود ۴۰ ساله سرکرده این باند سرقت و کلاهبرداری است که پیش از آن هم به دلیل جعل سند و کلاهبرداری محکوم به حبس شده بود. او در حال گذراندن دوران محکومیت خود بود که با نوشتن نامه‌ای از داخل زندان و جعل مهر دادگاه حکم آزادی خود را برای رئیس زندان ارسال کرده و از سوی مسئولان زندان آزاد شد، اما مدتی بعد مشخص شد حکم آزادی جعلی بوده و متهم با مهارت خود در جعل مدارک موفق به رهایی از زندان شده است. او پس از فرار از زندان به جعل اسناد ادامه داد و با ظاهری بسیار مرتب با اسامی جعلی و با عناوین دولتی مانند عناوین متعلق به نیروی انتظامی و سیستم قضایی کشوری به کلاهبرداری از افراد ادامه داد تا شمار شاکیان پرونده به ۳۷ نفر رسید. کلاهبرداری‌های مجید و این باند کلاهبرداری که معصومه همسرش نیز با آنها همکاری می‌کرده سرقت پول و طلا و کلاهبرداری‌های ملکی است که مبلغ سرقت‌ها و کلاهبرداری‌ها را قریب به سه میلیارد تومان رساند. از اعضای هشت نفره این باند سرقت و کلاهبرداری، پنج نفر دستگیر شدند و سه نفر به نام‌های دانشیار، فریبرز و جواد فراری هستند. متهمان پس از دستگیری به سرقت، کلاهبرداری و سایر اتهامات مطرح در کیفرخواست اعتراف کردند. با این اعترافات متهمان به اتهام شرکت در سرقت مقرون به آزار و کلاهبرداری به ۲ سال حبس و چهل ضربه شلاق و بازگرداندن اموال محکوم شدند. معصومه متهم ردیف آخر به اتهام تحصیل اموال مسروقه به ۲ سال حبس تعلیقی محکوم شد. علاوه بر آنکه متهم ردیف اول پرونده به اتهام غصب عنوان دولتی، جعل سند و استفاده از آن به یک‌سال و ۶ ماه حبس و ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی و به اتهام فرار از زندان و خریدوفروش مشروبات الکلی به بیش از صد ضربه شلاق محکوم شد. مجید متهم ردیف اول پرونده هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد و با این وجود چندی پیش نامه‌ای برای شعبه رسیدگی‌کننده پرونده با مهر دادگاه ارسال کرده بود که نشان از ادامه فعالیت جعل سند او دارد.

■ کلاهبرداری با جعل عنوان قاضی دادگستری

سه عضو باند سرقت اتومبیل، کلاهبرداری و جعل سند و شناسنامه به پنج سال حبس و جزای نقدی محکوم شدند. احمد، محمد و اصغر به سرکردگی احمد اعضای این باند سه‌نفره هستند که بالغ بر ۳ میلیارد تومان سرقت و کلاهبرداری کرده‌اند. شاکیان این باند ۲۰ نفر هستند که جعل سند و شناسنامه، غصب عناوین، خیانت در امانت، نصب پلاک تقلبی و حمل اسلحه کلت نیز از جمله اتهامات دیگر آنها است. احمد سرکرده این باند با معرفی خود به‌عنوان قاضی دادگستری اقدام به سرقت و کلاهبرداری می‌کرده که البته بسیاری از این کلاهبرداری‌ها و سرقت‌ها در شهرستان‌ها انجام می‌شده است. اعضای این باند به اتهام کلاهبرداری به ۵ سال حبس و جزای نقدی و بازگرداندن اموال و به اتهام غصب عنوان دولتی و جعل به سه سال حبس و ۱۸ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شدند علاوه بر آنکه به اتهام سرقت نیز ۲ سال حبس می‌شوند.

کلاهبرداری با جعل سربرگ نمایندگان مجلس

ایسنا: فعالیت باند کلاهبردار و جاعل اسناد که با جعل سربرگ تعدادی از نمایندگان مجلس اقدام به نامه‌نگاری جعلی و اخذ وام از بانک‌ها و پس از ارائه وام به متقاضیان از آنها نیز اخاذی می‌کردند، با دستگیری سه سرکرده و ۷ نفر از اعضای آن متوقف شد. معاونت مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ نحوه فعالیت و متلاشی شدن این باند را تشریح کرد و گفت: در پی ارسال پرونده و شکوائیه‌های متعدد از سوی حراست و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مراجع قضایی و ادارات حقوقی و حراست بانک‌های ملی، صادرات، تجارت و رفاه مبنی بر این که تعدادی افراد سودجو با جعل امضا و سربرگ‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معرفی‌نامه‌های آنان در راستای اهداف خود سوءاستفاده کرده‌اند، تحقیقات اداره ۱۳ پلیس آگاهی تهران بزرگ برای شناسایی اعضای این باند آغاز شد. براساس شواهد موجود این افراد با جعل سربرگ نمایندگان مجلس و استفاده از نام آنها از بانک‌های فوق وام دریافت کرده و با ایجاد سه آژانس در جنت‌آباد، صادقیه و رسالت اقدام به اعطای وام به متقاضیان کرده و در قبال آن، این افراد را مورد اخاذی قرار می‌دادند. پس از انجام اقدامات پلیسی اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ و دریافت اطلاعات و جمع‌آوری سوابق دو نفر به نام‌های «علی» و «جعفر» که در ابعاد گسترده اقدام به جعل کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند. در این حال این افراد در جریان بازجویی‌های پلیسی به فردی به نام «مهران» به عنوان عامل اصلی جعل اشاره کردند که با تحقیقات پلیسی، وی با هویت واقعی «مجید» در ستارخان دستگیر شد و به تهیه و توزیع نامه‌های جعلی اعتراف کرد. به این ترتیب سه نفر از اعضای اصلی این باند دستگیر شدند. به دنبال اعترافات این سه متهم، ۷ نفر دیگر از اعضای باند که به عنوان رابط اقدام به اعطای وام به متقاضیان می‌کردند، نیز دستگیر شدند. سرهنگ خوئینی با بیان این که تاکنون ۳۰۰ شاکی در این پرونده شناسایی شده‌اند، گفت: مبلغ وام‌هایی که به این وسیله از بانک‌ها دریافت شده ۳۰۰ میلیون تومان است که از این مقدار ۱۰۰ میلیون تومان آن را اعضای باند به عنوان رابط ارائه وام از متقاضیان اخذ کرده‌اند. به گفته پلیس اقدام این باند علاوه بر وارد کردن خسارت به شهروندان و ایجاد مشکل در سیستم بانکی، موجب سوءاستفاده از نمایندگان مجلس نیز شده است. سرهنگ خوئینی در هشدار به شهروندان از آنها خواست تا به موسساتی که تحت عنوان ارائه وام در سطح کشور فعالیت می‌کنند، اعتماد نکنند، زیرا بیشتر این موسسات تحت پوشش باندهای کلاهبرداری هستند.

تقدیر رئیس پلیس تهران از اقدام شجاعانه یک زن

شرق: رئیس پلیس تهران دیروز از زنی تقدیر کرد که پس از کشیده‌شدن درگیری اشرار مسلح به منزلش، او از وقوع فاجعه‌ای بزرگ‌تر جلوگیری کرد. این زن درباره حادثه‌ای که به شهادت افسر پلیس و یک عابر پیاده منجر شد، گفت: در حالی که در آشپزخانه بودم و می‌خواستم برای یکی از همسایه‌ها آب ببرم با شنیدن صدایی مشکوک به حیاط منزل آمدم که مشاهده کردم دو مرد در حیاط ایستاده‌اند اما وقتی از آنها پرسیدم برای چه وارد منزل ما شده‌اند، اقرار کردند که تریاک داشته و پلیس به دنبال آنها است. در این میان در حالی که به آنها آب می‌دادم با آرامش از آنها درخواست کردم که اسلحه‌شان را به من بدهند که آنها مدارک خود را نیز به من تحویل دادند تا با آژانس تماس بگیرم که آنها را به آدرس مورد نظر ببرد. او اضافه کرد: در این حال یکی از همسایه‌ها با تلفن همراهش وانمود کرد که در حال تماس گرفتن با آژانس است و پس از مدتی خطاب به متهمان اظهار کرد که تلفن آژانس مشغول است. تا این که صدای آژیر پلیس و مردم از بیرون شنیده شد که در همین لحظه یکی از اشرار با مسلح کردن اسلحه، آن را آماده شلیک کرد، از این رو با ضربه‌ای که به یکی از آنها زدم، اسلحه را که روی زمین بود، برداشتم و در حالی که پدرم با او درگیر شده بود، اسلحه را بیرون برده و به ماموران پلیس تحویل دادم.

افتتاح نمایشگاه تجهیزات پلیسی

شرق: پنجمین نمایشگاه بین‌المللی لوازم و تجهیزات پلیسی، ایمنی و امنیتی از صبح دیروز با حضور ۱۵۰ شرکت داخلی و خارجی از ۲۷ کشور جهان آغاز به کار کرد و تا ۷ اردیبهشت ماه ادامه دارد. مراسم افتتاح این نمایشگاه با حضور وزیر کشور، فرمانده ناجا و جمعی از مسئولان در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد. در عکس فوق که جواد مقیمی عکاس خبرگزاری فارس آن را گرفته وزیر کشور و فرمانده ناجا در حال بازدید از نمایشگاه هستند. پورمحمدی در این مراسم اعلام کرد طرح فعالیت گشت‌های ارشاد به کلانشهرهای کشور توسعه خواهد یافت.

عکس روز

جشن رادیو در ارک

علی‌اکبر قزوینی

در شب نیمه‌ابری سوم اردیبهشت، جایی که نسیم ملایمی می‌وزید و درخت توتی شاخه‌های انبوهش را همچون چتری برافراشته بود، آدم‌هایی از گذشته‌های دور و نزدیک رادیو جمع شده بودند تا در یک مهمانی خودمانی گل بگویند و بشنوند. برنامه «رنگین‌کمان هنر» که به همت محمد مهاجر و جمعی از همکاران او از رادیو تهران پخش می‌شود، آن روز برنامه ویژه خود را در حیاط دل‌باز ساختمان رادیو در میدان ارک تدارک دیده بود تا از ساعت ۱۹ تا ۲۳ به جشن سالگرد تاسیس رادیو بپردازد، رادیویی که در ساعت شش بعدازظهر ۴ اردیبهشت ۱۳۱۹ با حضور ولیعهد (محمدرضا پهلوی) و نطق تبریک نخست‌وزیر وقت (احمد متین‌دفتری) افتتاح شده بود.

نیم‌ساعت مانده به آغاز برنامه، از شلوغی خیابان ۱۵ خرداد راهم را به سمت میدان بزرگ پر از فواره کج می‌کنم و در میانه‌های ضلع غربی آن وارد ساختمانی می‌شوم که عنوان «شبکه رادیویی تهران» در کاشی‌های رنگی بر دیوار آن خودنمایی می‌کند. بعد از گذر از مسیری کوتاه به حیاط کوچکی می‌رسم که باغچه‌ای تماشایی دارد و در برابر آن چهار ردیف صندلی مهمان‌ها را نیم‌دایره چیده‌اند در برابر سه میز و صندلی که با میکروفن‌هایشان قرار است جایگاه گویندگان و مهمانان برنامه باشند. واحد سیار IRIB اندکی دورتر ایستاده و دو باند در طرفین صحنه برای پخش صدا گذاشته شده. دو میز هم برای تجهیزات صدابرداری و پخش نوارهای ریل پیش‌بینی شده است. صدای شاد و شلوغ گنجشک‌های مأوا گرفته بر شاخه درختان، در این دم‌غروبی با صدای ترافیک خیابانی که کمی دورتر پشت دیواری کوتاه در جریان است، درهم آمیخته و در ترکیب با موسیقی شادی که از باندها در حال پخش است، ترکیبی یگانه ساخته است. از میان چهره‌های آشنا بهزاد فراهانی را می‌بینم و کمی بعد امین‌الله رشیدی و همسرش را که از راه می‌رسند. اما امروز بیشتر از همه روز صداهای آشنا است... در آخرین ردیف صندلی‌ها خانم توران مهرزاد تنها نشسته و در پاسخ به خبرنگاری که او را به گفت‌وگویی کوتاه می‌خواند، می‌گوید که تازه از بیمارستان آمده و به درد ریه‌اش اشاره می‌کند، گرچه سرانجام با مهربانی پرسش‌های او را جواب می‌دهد. من اما ترجیح می‌دهم به جای پرسیدن هر سئوالی، تنها نظاره‌گر رویدادی باشم که در برابر چشمانم در حال شکل‌گیری است، گویی که یک شنونده رادیو با روشی جادویی راه به درون این جعبه برده باشد. هوا تاریک‌تر شده و گنجشک‌ها هم گویی دیگر به خواب رفته‌اند. ساعت ۱۹/۱۳ تیتراژ آهنگین «رادیو تهران، صدای پایتخت» از باندها پخش می‌شود و دست‌اندرکاران برنامه به هم علامت می‌دهند که داریم می‌رویم روی آنتن. موسیقی و تیتراژ برنامه رنگین‌کمان هنر که به انتها می‌رسد، مهین نصری از پشت میکروفن می‌خواند: «این عشق ماندنی/ این شور بودنی/ این لحظه‌های با تو نشستن سرودنی است...» بعد از این شروع دلنشین، او و همکارش صدرالدین شجره به مهمانان و شنوندگان سلام می‌کنند و با تبریک شب میلاد رادیو، برنامه ادامه پیدا می‌کند. باد دلپذیری وزیدن گرفته و برگ‌های درخت توتی که گوینده‌ها زیرش نشسته‌اند، آرام تکان می‌خورد. آنها یک به یک نام مهمانان عالی‌قدری را که هم‌اکنون در آنجا حضور دارند، می‌برند: حسین توصیفیان، مهدی علی‌محمدی، فریدون اسماعیلی، ژاله علو، خسرو فرخزادی و بیوک میرزایی علاوه بر کسانی که پیش از این نامشان ذکر شد، به جشن تولد رادیو آمده‌اند. اما بزرگان دیگری هم در راه هستند که بعداً می‌رسند: دکتر شاهین فرهت موسیقیدان و استادان تار و عود، فریدون حافظی و منصور نریمان. خانم شمسی فضل‌اللهی هم هست با آن صدای نرم و مهربانش و همه اینها هنرمندانی‌اند که خود را عضوی از «خانواده» رادیو می‌دانند و خوشحال‌اند که امشب فرصتی برای دیدار هم یافته‌اند. خانواده که می‌گویند از سر تعارف نیست و باید بود و دید که چگونه به هم محبت دارند و حتی همدیگر را بدون القاب رسمی آقا یا خانم و به نام کوچک صدا می‌زنند. مهدی علی‌محمدی وقتی پشت میکروفن می‌رود، یادی از دوست درگذشته‌اش هوشنگ مستوفی می‌کند و دیگرانی از نسل خودش که حالا نیستند. می‌گوید اینها نبودنشان من را آزار می‌دهد... پیرمرد بغض می‌کند و توصیفیان گفته او را ادامه می‌دهد که بیایید قبل از این که به نبودن هم عادت کنیم، کنار هم بودن را تجربه کنیم. یک تک‌نوازی زیبای تار که در پی این صحبت‌ها روی آنتن می‌رود، شاید مرهمی باشد بر این خاطرات. نوبت به صحبت هر یک از مهمانان که می‌رسد، تصویر آدم‌هایی که روزگاری تنها صدا بوده‌اند جان می‌گیرد. نواری پخش می‌شود از یک نمایش قدیمی، بحثی است بین یک مادر و پسر بر سر ازدواج. بهزاد فراهانی از خنده ریسه رفته، توی گوش ژاله علو چیزی می‌گوید و هر دو می‌خندند... بالاخره می‌فهمیم که پسر قصه خسرو فرخزادی بوده و مادر مرحوم مهین دیهیم. فرخزادی بهت‌زده نشسته، گویی صدای خودش را از پس غبار سالیان نشناخته است. بهزاد فراهانی در حال راه رفتن، پشت یکی از میکروفن‌ها می‌گوید: «خسرو پا به سن گذاشته، خجالتی شده!» و خسرو فرخزادی در نهایت شرحی می‌دهد از ۴۰ سال کار در رادیو. حالا نوبت توران مهرزاد است تا درباره دیهیم صحبت کند: «ما با هم در تئاتر آشنا شدیم. او یک هنرمند واقعی بود، یک هنرمند خوب...» علو هم ادامه می‌دهد: «خانم دیهیم فوق‌العاده در کارش دقیق بود. عاشق هنر بود و هر کاری را که می‌پذیرفت در نهایت صمیمیت، دقت و توان انجام می‌داد.» او درباره تیپ‌های طنز دیهیم در برنامه صبح جمعه با شما هم صحبت می‌کند و در آخر می‌گوید: «خدا رحمتش کند. جایش خالی است و ان‌شاءالله یادش همیشه با ما باشد...» مسئولان تدارکات سینی چای در دست در میان مهمانان می‌گردند. کمی بعد، کیک تولد رادیو را هم می‌آورند. شجره با خنده آن را برای شنوندگان توصیف می‌کند: «کیکی به شکل یک رادیوی قدیمی!» او در تکمیل صحبت مهمان‌ها که اغلب از هنرمندان درگذشته نام برده بودند، می‌گوید: «امشب شب یاد درگذشته‌ها هم هست...» حالا دو تا ۶ انگلیسی به رنگ سفید و قرمز در کنار هم روی کیک نشسته‌اند. ساعت ۲۰/۲۰ دقیقه است. ناگهان صدای نقاره فضا را پر می‌کند. خواننده مرد با لهجه‌ای محلی می‌خواند: «میون دخترا/ شاخه نباتی/ مریم بانو مریم...» و بعد صدای زنی می‌گوید: «مریم بانو، نوشته بهزاد فراهانی». حالا نوبت فراهانی است، همان که کارهای منحصر به فرد و گفتارهای طنز و نغزش در این شب بسیار روحیه‌بخش بوده است. می‌گوید: «این آقای مهاجر هم انگار بدش نمی‌آد اشک ماها رو دونه به دونه درآره...» در طرفین کیک، شاخه‌های رز سفید پیچیده در زرورق گذاشته شده است. و بعد صدای فریدون اسماعیلی است که سکوت را می‌شکند: «در ۱۵ سال اخیر صدایم در هیچ مجموعه‌ای شنیده نشده است.» امشب اما او سنگ تمام می‌گذارد و علاوه بر آواز، شرحی شعرگونه از زندگی خودش را با تقلید صدای نقش‌های متفاوتی که طی سالیان داشته، اجرا می‌کند. ساعت ۲۰/۳۹ شمع‌های روی کیک روشن می‌شود و بعد امین‌الله رشیدی که اتفاقاً امشب شب تولد او هم هست، آنها را فوت می‌کند. همه دست می‌زنند. گویی آدم به جشن تولد یک دوست آمده آن‌قدر که همه چیز خودمانی و بی‌تکلف است. بهزاد فراهانی پشت میکروفن است. از «عاشقانگی» کار رادیویی در نسل خودش صحبت می‌کند و آن طراوت عاشقانه‌ای که وجود داشت. عشقی که در لابه‌لای کلمات دیگر بزرگان حاضر در این جشن هم می‌توان شنید و حس‌اش کرد بس که عمیق است. ۲۰/۵۰ شده و قطعات کوچک کیک همراه با آب‌میوه بین مهمان‌ها توزیع می‌شود. کمی بعد، زمان اخبار ۲۱ است و فرصتی برای تنفس. بازار گفت‌وگوهای خودمانی در این میانه گرم است. ساندویچ‌های کالباس همراه با نوشابه هم در همین حین توزیع می‌شوند تا باز بیشتر باور کنیم که به جشن تولد دوستی صمیمی آمده‌ایم. صحبت‌های بعد از اخبار بیشتر حول‌وحوش موسیقی است، چرا که استادان موسیقی هم به جمع اضافه شده‌اند. و البته باز در بین صحبت‌ها حرف است از عشق به هنر. امشب گویا همه چیز حول عشق می‌گردد. مثل شعری که ژاله علو سروده و با آن صدای خاطره‌انگیز می‌خواند: «عشق ما را تا دل خورشید برد/ بر فراز قله امید برد/ چون صدف پر کرد ما را از گهر/ پس دل ما را چو مروارید برد...». یا مثل جمله‌ای که رضا عمرانی می‌گوید: «به هر طرف که نگاه می‌کنم در این جمع، جز عشق چیزی نمی‌بینم.» ساعت ۲۲/۵۷ زمان خداحافظی آخر است و بعد از آن ترانه همیشه خاطره‌انگیز «ای ایران». بازار عکس دسته‌جمعی اما حسابی گرم است. در همین میانه، هدایایی هم به بزرگان قدیمی رادیو داده می‌شود. دل کندن سخت می‌نماید، اما گریزی از رفتن نیست... اینجا در میدان ارک، شرشر فواره‌ها و تصویر یک حیاط دل‌انگیز با شاخه رز سفیدی که در دست دارم، حالا در کنار همه آن صداهای خاطره‌انگیز نشسته است.

گزارش کوتاه

مردمک

۲۲۰۵۳۳۷۲

جلوگیری از اقدامات خودسرانه

۱۰ صبح روز پنجشنبه سوار اتوبوس‌های آرژانتین می‌شدم که در اول ایستگاه با صحنه‌ای مواجه شدم که تا امروز که تقریباً دو هفته از این جریان می‌گذرد قادر به فراموش کردن آن نیستم. جوانی حدوداً ۲۲- ۲۰ساله (خیابانگرد) می‌خواست سوار اتوبوس شود راننده به او اجازه نداد و در مقابل اصرار آن جوان برای سوار شدن او را به شدت هل داد به طوری که سرش به میله آهنی ایستگاه برخورد کرد. در مقابل اعتراضات ما به این کار از ماشین پیاده شد و به طرز وحشتناکی شروع به زدن او کرد به طوری که سر و صورتش کاملاً خونی شده بود. من به دلیل ناراحتی زیاد پیش رئیس خط (میدان تجریش) رفتم و جریان را گفتم ولی ایشان فقط گفتند سعی می‌کنیم دیگر چنین حوادثی پیش نیاید ولی جالب این بود که خود راننده جواب داد که این افراد انگل اجتماع هستند و قانون باید از افرادی که آنها را از بین می‌برند حمایت کند. سئوالم این است که تا کی باید خودمان وضع کننده قانون و مجری آن باشیم و آیا هیچ دستگاه نظارتی یا اجرایی وجود ندارد که با این افراد که اخلاق را زیر پا می‌گذارند و احساسات جامعه را جریحه‌دار می‌کنند برخورد جدی و اصولی داشته باشد.

حقوق‌ها پرداخت نشده

از مدرسین زبان موسسه آموزشی شهر تحت نظارت سازمان فرهنگی، هنری شهر تهران هستم. متاسفانه سازمان فرهنگی از پرداخت حقوق مدرسین زبان و سایر رشته‌ها از زمستان گذشته خودداری کرده. با این اوضاع نابسامان اقتصادی چگونه می‌توان به صورت رایگان تدریس کرد. آیا برای حقوق مدرسین این موسسه هیچ‌گونه بودجه‌ای در نظر گرفته نشده است؟ امیدوارم پاسخی برای این کار وجود داشته باشد.

پائین آمدن استاندارد نگهداری گوشت

استاندارد نگهداری گوشت چرخ کرده در فروشگاه‌ها ۲۴ ساعت است. یعنی صبح که عرضه می‌شود تا ۲۴ ساعت یا باید فروخته شود یا فریز گردد یا پخته شود و بعد از آن نباید برای فروش مجدداً در فروشگاه‌ها قرار گیرد زیرا مواد سمی تولید شده در این نوع از گوشت آن را غیرقابل مصرف می‌کند. این استاندارد قبلاً در فروشگاه‌های شهروند رعایت می‌شد ولی متاسفانه جدیداً به ۴۸ ساعت رسیده است یعنی همان گوشت تا دو روز به فروش می‌رسد سئوال اینجا است چطور قیمت گوشت در ایران با قیمت گوشت در کشورهای پیشرفته صنعتی برابری می‌کند ولی استاندارد عرضه و کیفیت نگهداری آن مرتب پایین می‌آید و به آن اهمیتی داده نمی‌شود.

عدم پرداخت حق مسکن

شهروندی هستم که سئوالی از مسئولین دانشگاه تهران دارم و آن اینکه چرا حق مسکنی که به تمام کارکنان دولت پرداخت می‌شود و مبلغش بین ۵۰ تا ۷۰ هزار تومان متغی